

۲۵ اسفند روز جانفشنان فدایی یاد و نام جانفشنان فدایی همواره جاودان خواهد ماند



از خودگذشتگی، صداقت انقلابی، فداکاری و جانفشانی یکی از خصائل اخلاقی و مبارزاتی برجسته انسان‌هایی است که برای اهداف و آرمان‌های بزرگ انسانی تلاش می‌کنند. به تمام دوره‌های تاریخ بشریت که نگاه کنیم، همواره انسان‌های پیشرو و آگاهی وجود داشته‌اند که برای تحقق آرمان‌های بزرگ خود و نجات ستمدیدگان از چنگ ستمگران، با مبارزات خود، حماسه‌ها آفریده‌اند. توده‌های مردم هر کشوری صدها نمونه از این حماسه‌ها را سینه‌به‌سینه به نسل‌های دیگر منتقل کرده‌اند و آن‌ها را پشتوانه شکست‌ناپذیری‌شان درنبرد علیه ستمگران و دشمنان طبقاتی خود قرار داده‌اند. برجسته‌ترین این انسان‌ها در طول تاریخ بشریت، کمونیست‌ها بوده و

در صفحه ۳

اعتصاب سه روزه معلمان، برجستگی‌ها و ضعف‌های آن

دور سوم اعتصاب سراسری معلمان در روزهای دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم اسفند ۱۳۹۷ در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد. "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" (از این پس شورای هماهنگی) فراخوان دهنده این اعتصاب سراسری بود. در اطلاعیه "شورای هماهنگی" که روز ۶ اسفند منتشر شد، آمده است: "معلمان سراسر کشور در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفندماه ۹۷ با حضور در دفتر مدارس از رفتن به کلاس درس خودداری نموده، به روش‌های ممکن، دانش‌آموزان و اولیای آنها را از اهداف این اقدام آگاه می‌نمایند."

اطلاعیه "شورای هماهنگی" سپس به توضیح چرایی اعتصاب پرداخته و در این رابطه نوشته است: سال‌ها بی‌توجهی برنامه‌ریزان و مسئولان کشور نسبت به دانش‌آموزان و فرهنگیان و تضییع دامنه‌دار حقوق آنها در کنار سایر عوامل، زمینه‌ساز بروز وضعیت اسفبار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حال حاضر کشور شده است. تورم و گرانی افسارگسیخته و نهادینه شده کنونی که مردم زیر بار فشار طاقت فرسای آن کمر خورده‌اند، نمودی عینی و ملموس از وضعیت بحرانی و غیر قابل تحمل مزبور است."

اطلاعیه در فراز پایانی خود نیز به طرح مطالبات معلمان و فرهنگیان پرداخته است. "آزادی فعالان صنفی- فرهنگی و بسته شدن همه پرونده‌ها در این زمینه‌ها. رفع تمام موانع قانونی برای فعالیت رسمی و آزادی تشکل‌های صنفی- فرهنگیان در سراسر کشور. اختصاص سهم کافی و وافی در بودجه سال ۹۸ به آموزش

در صفحه ۲

اعلامیه مشترک به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

در صفحه ۶

خلاصه ای از اطلاعیه‌های سازمان

در صفحه ۸

ضرورت و فوریت مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی

اسماعیل بخشی کارگر پیشرو و آگاه و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، همچنان در زندان و بیش از ۵۰ روز است که زیر فشار شکنجه‌های جسمی و روانی مزدوران حکومتی قرار دارد. اسماعیل بخشی در حالی که شکایت از ماموران امنیتی و شکنجه خود در زندان بدست "سربازان گمنام امام‌زمان" را پیگیری می‌کرد، اول بهمن‌ماه مجدداً توسط دستگاه امنیتی بازداشت و به منظور پرونده‌سازی‌ها و اعتراف‌گیری‌های جدید به سلول انفرادی و مستقیماً زیر شکنجه فرستاده شد.

در صفحه ۱۰



فقر بیشتر پاسخ جمهوری اسلامی در بودجه ۹۸ به اعتراضات و خواست‌های توده‌ها

بر تشدید بحران اقتصادی و بیکاری ارائه دادیم. آنچه که به هر حال مشخص است و حتا عموم اقتصاددانان جمهوری اسلامی نیز بر آن تاکید دارند تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی و نیز بیکاری در سال آینده است که باعث فشار مضاعفی بر کارگران و زحمتکشان خواهد بود.

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

اعتصاب سه روزه معلمان، برجستگی ها و ضعف های آن

و پرورش تا سرحد رفع مشکلات عدیده مدارس، ترمیم اساسی حقوق فرهنگیان و پرداخت تمام معوقات آنها اعم از مطالبات معلمان خرید خدمت، حق التدریسی و ... همسان سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان و ارتقای آن به بالاتر از خط فقر. لغو قرارداد با بیمه ناکارآمد تکمیلی فعلی و جایگزینی آن با بیمه کارآ و پاسخگو برای فرهنگیان شاغل و بازنشسته و توقف سیاست پولی سازی و اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی" از جمله مطالبات عاجل و فوری فرهنگیان سراسر کشور است که در فراخوان اعتصاب "شورای هماهنگی" قید شده اند. مطالباتی که معلمان فرهیخته و زحمتکش ایران سال ها است پیگیرانه برای تحقق آن مبارزه می کنند و دست کم در همین ۶ ماه گذشته سه بار دست به اعتصاب سراسری زده اند.

بر اساس تمام شواهد عینی، عکس ها و گزارشات منتشر شده در فضای مجازی و نیز با استناد به بیانیه ای که "شورای هماهنگی" در پایان این اعتصاب سه روزه منتشر کرده است، اعتصاب سراسری روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفندماه ۹۷ با موفقیت و پر شکوه تر از دو اعتصاب گذشته برگزار شد. طبق بیانیه ای که "شورای هماهنگی" در پایان این اعتصاب سه روزه منتشر کرده است، اغلب استان های کشور به این اعتصاب سراسری پیوسته و معلمان معترض دست کم در ۱۱۰ شهر با درجات متفاوت از حضور در کلاس های درس خودداری کرده اند.

از شروع سال تحصیلی ۹۸-۹۷، این سومین باری است که معلمان زحمتکش ایران در اعتراض به گرانی، تورم افسار گسیخته، فشار و سرکوب، بی عدالتی و مشکلات عدیده ای که معلمان در آن بسر می برند، دست به "تحصن" در دفاتر مدارس زده و از حضور در کلاس های درس خودداری کرده اند. اعتصاب سراسری اول در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر و اعتصاب دوم در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان صورت گرفت. اعتصابات که هر بار گسترده تر از قبل و با حضور تعداد بیشتری از معلمان در شهرهای مختلف کشور برگزار شدند. اعتصابات که معلمان و فرهنگیان کشور با انجام آن همواره بر رفع موانع اقتصادی-فرهنگی و برون رفت از شرایط بد معیشتی و اوضاع وخامت بار حاکم بر روند آموزشی کشور تاکید داشته و هر بار نیز پر تلاش تر از گذشته برای تحقق مطالبات شان دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. معلمان سراسر ایران، پس از دو دور اعتصابی که در ماه های مهر و آبان ۹۷ صورت گرفت، هفته گذشته در شرایطی به دور سوم اعتصاب سراسری خود روی آوردند که تاکنون کمترین بهبودی در وضعیت وخامت بار زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان رخ نداده است. به رغم مبارزات پیگیرانه ای که معلمان زحمتکش ایران در سال های گذشته برای تحقق مطالبات برحق خود انجام داده اند، واکنش مسئولان حکومتی اما تاکنون، غیر از تهدید و ارباب، سرکوب و بازداشت و اخراج معلمان آگاه و مبارز چیز دیگری نبوده

است.

در دور اول اعتصاب سراسری، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی پیش از شروع اعتصاب فشار سنگینی را بر معلمان آگاه و مبارز جهت ممانعت از اعتصاب اعمال کردند. با این همه و به رغم تمامی تهدیدات امنیتی و بعضا بازداشت تعدادی از معلمان از جمله عبدالرضا قنبری و محمد رضا رمضانزاده، رئیس شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان مشهد، آن اعتصاب به لحاظ گستردگی حضور معلمان با نتایج نسبتا خوبی برگزار شد. دور دوم اعتصاب سراسری معلمان در آبان ماه نیز با تهدیدات و ارباب بیشتر مواجه شد. اعمال فشار، تهدیدات تلفنی و احضار معلمان در دور دوم شدت بیشتری یافت. به رغم احضار و بازجویی تعدادی از معلمان و به رغم دستگیری مجدد محمد رضا رمضانزاده و هاشم خواستار، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان مشهد، اعتصاب دوم گسترده تر از اعتصاب اول شکل گرفت. واکنش کابینه و دیگر مسئولان حکومتی اما در همه این سال ها و در مقابل مطالبات برحق و اولیه فرهنگیان، همواره سرکوب و با دستگیری فعالترین و پیشروترین معلمان کشور همراه بوده است. طی این سال ها، علاوه بر ده ها معلمی که در دوره های مختلف بازداشت و پس از بازجویی و پرونده سازی های گوناگون با قرار وثیقه آزاد شده اند، هم اکنون اسماعیل عیدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، عبدالرضا قنبری، محمد ثانی و بختیار عارفی از جمله معلمانی هستند که با احکام سنگین و سرکوبگرانه دستگاه ظالمانه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران در زندان هستند. با این همه و به رغم تمام شیوه های ارباب و سرکوبی که دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم حاکم بر ایران علیه معلمان و فرهنگیان مبارز به کار گرفته اند، تاکنون کمترین خللی در اراده مبارزاتی معلمان فرهیخته و زحمتکش ایجاد نشده است. نه تنها معلمان مرعوب بگیر و ببند و تهدیدات نیروهای امنیتی نشده اند، بلکه آنان اکنون علاوه بر خواست های معوقه تاکنونی شان، بر مطالبه "آزادی کلیه معلمان زندانی و رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی و آزاد تشکل های صنفی-فرهنگی در سراسر کشور" تاکید داشته تا جاییکه این دو مطالبه را در راس مطالبات اعتصاب سراسری اسفندماه خود قرار دادند.

گسترده شدن اعتصاب سراسری اسفند ماه به شهرها و مناطق بیشتر در مقایسه با دو اعتصاب قبلی، حضور و همدلی دانش آموزان و اولیای آنان با معلمان اعتصابی، حمایت دو سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، دفاع و اطلاع رسانی فعالان اجتماعی از مطالبات برحق معلمان و اعتصاب سراسری آنان و نیز موضع "شورای هماهنگی" در بیان اینکه: "در صورت عدم تحقق خواسته های برحق فرهنگیان، شورای هماهنگی، برنامه های اعتراضی بعدی خود را نیز اعلام خواهد کرد"، همه از نکات قابل تامل و مثبت این دوره از مبارزات

سراسری معلمان کشور بوده است. با این همه و به رغم نکات خوب و برجسته ای که جنبش مبارزاتی معلمان کشور تاکنون از خود برجای گذاشته و بعضا نیز در اطلاعیه های "شورای هماهنگی" تبلور یافته است، این جنبش و به طور اخص "شورای هماهنگی" آن هنوز دارای ضعف های اساسی است.

واقعیت این است که "شورای هماهنگی" تشکل های صنفی فرهنگیان ایران "انگونه که شایسته و بایسته است، هنوز قادر نشده تا درصد لازمی از جمعیت یک میلیونی معلمان و کارکنان آموزشی سراسر ایران را حول محور مطالباتی آنان بسیج و آنان را به اعتصاب سراسری بکشاند. در همین اعتصاب سوم به رغم تمامی ویژگی های کارساز و مثبت آن و به رغم اینکه گسترده تر از دو اعتصاب قبلی بوده است، در خوش بینانه ترین حالت هنوز کمتر از دو درصد معلمان کل کشور در آن حضور داشته اند. ویژگی "شورای هماهنگی" در پیشبرد اعتصابات سراسری دوره های اخیر، دست کم این حسن را داشته است که هر بار معلمان بیشتری را به تحصن و اعتصاب سراسری کشانده است. با این همه تشکل "شورای هماهنگی" یک ضعف اساسی دارد و آن هم محافظه کاری و سخت جانی نفوذ گرایش "اصلاح طلبی" در بخشی از رهبری این تشکل سراسر معلمان است که بعضا در اطلاعیه های آن نمود پیدا می کند. نمونه اش آخرین اطلاعیه ای است که "شورای هماهنگی" به مناسبت موفقیت آمیز بودن اعتصاب سراسری سه روزه اسفند ماه منتشر کرده است. محافظه کاری نهادینه شده در رهبری این تشکل، اعلام برائت آن از هر نیروهای سیاسی، اما در همان حال کماکان چشم امید بستن به گرایش اصلاح طلبی درون حاکمیت نشان می دهد که تا چه اندازه رهبری "شورای هماهنگی" از جنبش مبارزاتی توده ها و حتی اراده مبارزاتی توده معلمان فاصله دارد. آنهم در این شرایط ویژه که بعد از مبارزات سلحشورانه جوانان و توده های فقر زده، جامعه ما وارد یک دوران انقلابی شده و توده های زحمتکش ایران با سردادن شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تموم ماجرا" عملا به مرحله نوینی از مبارزات علنی با جمهوری اسلامی وارد میدان شده اند. این تفاوت دیدگاه، روحیه محافظه کاری و فاصله مبارزاتی نهفته در اطلاعیه "شورای هماهنگی" را به عینه می توان در حرکت های اعتراضی و جمعیتی که معلمان به طور پراکنده در شهرهای مختلف ایران تاکنون داشته اند، دید. نمونه اش تجمع اعتراضی معلمان در اصفهان است که دو هفته پیش با شور و اشتیاق کم نظیری برگزار شد. تجمعی که به دلیل همین ویژگی های مبارزاتی از حمایت عملی توده های مردم هم برخوردار شد.

اطلاعیه پایان موفقیت آمیز اعتصاب سه روزه "شورای هماهنگی" که نویسندگان آن، هم نیم نگاهی به جناح های درون حاکمیت دارند و هم می خواهند حقانیت مبارزاتی معلمان را با اعلام برائت از همه سازمان های مبارز و سیاسی به حاکمیت اثبات کنند، فقط بیانگر محافظه کاری نهفته در این اطلاعیه نیست. اینگونه اطلاعیه ها در گام نخست یک سیگنال معین برای حاکمیت و

۲۵ اسفند روز جانفشانان فدایی یاد و نام جانفشانان فدایی همواره جاودان خواهد ماند

بستند و در تیرماه سال ۱۳۵۵ با کشتار اعضای



بیژن جزینی عباس سورکی حسن ضیاء ظریفی

رهبری سازمان و برجسته‌ترین آن‌ها، رفیق حمید اشرف، پایان مبارزه کمونیستی را که سازمان ما پرچم آن را برافراشته نگه‌داشته بود، جشن گرفتند. اما به‌رغم این‌که این ضربات سنگین، سازمان ما را تضعیف کرد، اما از پای درنیامد. محال بود سازمانی که به جنبشی نوین از کمونیست‌ها در جریان نبرد بی‌امان شکل داده بود، از پای درآید. مبارزه ادامه یافت و آرزوی نابودی فدائیان به نابودی خود رژیم انجامید.

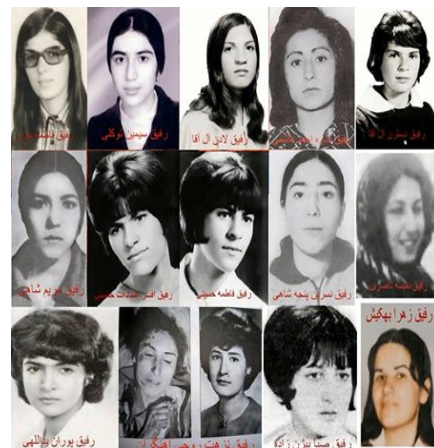
مبارزان آن سال‌ها، از نمونه رفقا احمدزاده و پویان، حمید مؤمنی، اسکندر صادقی نژاد، احمد



مرضیه احمدی اسکویی

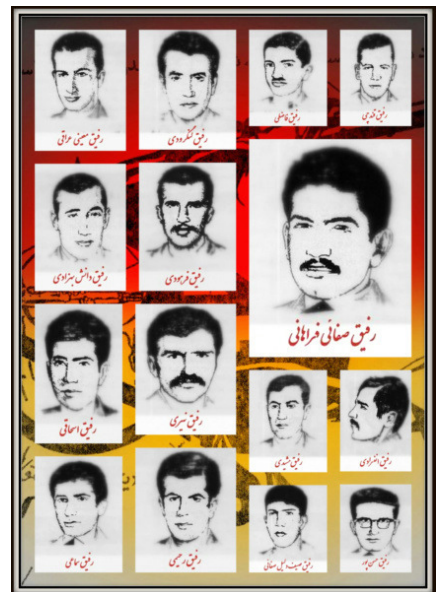
هستند که تمام سرکوب، زندان، کشتار و وحشی‌گری طبقه سرمایه‌دار حاکم هرگز نتوانسته آن‌ها را از تلاش و مبارزه برای تحقق اهداف و آرمان‌های بزرگ کارگری و سوسیالیستی بازدارد. آنچه این استواری و مقاومت را تحکیم کرده است، آگاهی علمی به‌ضرورت برپائی جامعه‌ای سوسیالیستی است که جبر تاریخ آن را به‌عنوان بدیل سرمایه‌داری دیکته کرده و نجاتبخش تمام بشریت ستم‌دیده است.

به تاریخچه سازمان خودمان که نظر افکنیم، در شرایطی که دیکتاتوری عریان رژیم شاه حق نفس کشیدن را نیز از توده‌های مردم ایران سلب کرده بود، چیزی جز باور عمیق به سوسیالیسم و ضرورت مبارزه با ستمگران برای آزادی و سوسیالیسم، نمی‌توانست نیروی محرکه گروهی از کمونیست‌های ایران در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ به نبردی نابرابر با دشمنی باشد که بازور سرنیزه، میلیون‌ها انسان کارگر و زحمتکش را



زیبرم بهروز دهقانی، حسن نوروزی، مهرنوش ابراهیمی، زهت و اعظم روحی آهنگران، مرضیه احمدی اسکویی، لادن و نسترن آل آقا، صبا بیژن زاده و صدها فدائی دیگر را کشتار کرد، اما نتیجه، آن چیزی نبود که ستمگران می‌پنداشتند. چراکه فدائی دیگر یک سازمان نبود، بلکه به یک جنبش کمونیستی تبدیل شده بود. هزاران کمونیست مبارز، پرچم فدائی را برافراشته نگه داشتند.

ستمگران به انتقام شکست‌شان، ۳۰ فروردین سال ۱۳۵۴ رفیق بیژن جزینی را به همراه



توده‌های کارگر و زحمتکشی که رژیم آن‌ها را به هیچ می‌گرفت به پا خاستند و رژیم سلطنتی شاه را به گورستان تاریخ سپردند.

با تمام وحشی‌گری دستگاه‌های سرکوب رژیم، سازمان ما از مبارزه‌های هفت‌ساله که سرشار از قهرمانی، جان‌فشانی و فداکاری بود، پیروز بیرون آمد. در نتیجه همین مبارزه قهرمانانه و آشتی‌ناپذیر که در جریان آن صدها فدائی جان فدا کردند، با سرنگونی رژیم شاه این بار نه هزاران، بلکه ده‌ها و صدها هزار کمونیست و انقلابی به زیر پرچم سازمان گرد آمدند. نشان داده شد، مبارزان کمونیستی که در دشوارترین شرایط نبرد طبقاتی با از خودگذشتگی، قهرمانی، فداکاری، با صداقت انقلابی به مبارزه‌های پیگیر و استوار علیه خصم طبقاتی ادامه می‌دهند و حتی جان خود را از دست می‌دهند، در قلوب کارگران و زحمتکشان جای دارند. این مبارزه اما صرفاً مبارزه‌ای میان سازمان ما و رژیم شاه نبود. مبارزات سازمان، تأثیرات شگرفی از خود بر جای نهاد. فقط این نبود که سازمان ما به‌عنوان



مهرنوش ابراهیمی

هم‌زمانش، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار، محمد چوپانزاده را در تپه‌های اوین به گلوله

به بند کشیده بود. حماسه‌آفرینان سیاهکل از مرگ نهراسیدند، چراکه آگاه بودند برای آرمانی بزرگ و انسانی به نبرد برخاسته‌اند که نیاز جامعه ایران است. آن‌ها در یک گروه پانزده‌منفره به رهبری رفیق برجسته، علی‌اکبر صفایی فراهانی به جنگ دشمنی بی‌رحم برخاستند، قهرمانانه جنگیدند و جان خود را فدا کردند، اما این رژیم شاه نبود که با کشتار این رفقا از این نبرد پیروز درآمد. نبرد سیاهکل حماسه شد و به الگویی برای مبارزه‌ای گسترده‌تر علیه رژیم حاکم تبدیل گردید. رژیم استبدادی بر این پندار خام بود که نبرد خاتمه یافته است، اما نمی‌دانست که این مبارزه تازه آغاز شده است. چراکه در پی نبرد سیاهکل، با مبارزه انسان‌هایی از همان سرشت مواجه شد، که در شهرها به مبارزه‌های استوار و پیگیر برخاستند. رژیم ارتجاعی حاکم، اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید کرد. برجسته‌ترین

۲۵ اسفند روز جانفشانان فدایی

یاد و نام جانفشانان فدایی همواره جاودان خواهد ماند

رهبران برجسته جنبش شورایی، رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی ربوده شدند و خلخالی جلاذ آن‌ها را اعدام کرد. در کردستان، آدم کشان حکومت اسلامی دادگاه‌های چند دقیقه‌ای برپا

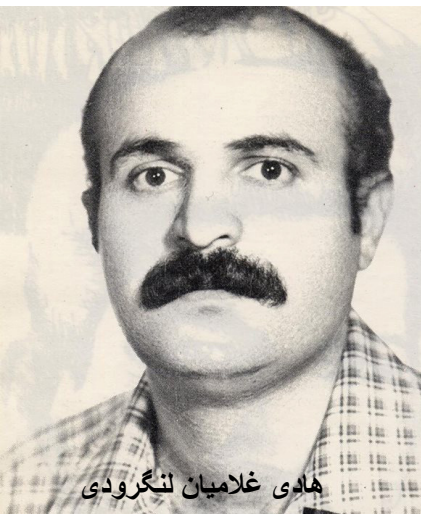


کردند و رفقای فدائی شهریار و احسن ناهید، یوسف کشی زاده، ناصر سلیمی، رشوند سرداری، گرجی بیانی، شهلا و نسرین کعبی در میان نخستین فدائیان بودند که اعدام شدند. تعدادی از فعالان کارگری سازمان در خیابان‌ها ترور شدند یا دستگیر و سریعاً اعدام شدند، رفقا علی و سعید میرشکاری، ناصر توفیقیان، جهانگیر قلعه میان‌دوآب و ده‌ها رفیق دیگر. مبارزه در این دوره اما بسی پیچیده‌تر از دوران رژیم شاه بود. می‌بایستی با رژیمی جنگید که اکثریتی از توده‌های مردم از سر ناآگاهی و گرفتار در خرافات ریشه‌دار مذهبی، از ارتجاع حاکم حمایت می‌کردند. اما پیچیده‌تر از این مبارزه، مبارزه با نفوذ عوامل دشمن طبقاتی در درون سازمان بود. فرصت‌طلبانی که از درون سازمان تلاش می‌کردند به نام فدائی تمام مبارزات و دست آوردهای چندین ساله سازمان



هرمز گرجی بیانی

سازمان‌دهی کرده بودند، از رفقای که در کردستان دوش‌به‌دوش مردم ستم‌دیده کرد برای خودمختاری می‌جنگیدند تا رفقای که در دورترین روستاهای بلوچستان در حمایت از مبارزه توده‌های زحمتکش تلاش می‌کردند. از رفقای که برای متشکل ساختن زنان در شکل‌های زنان در مبارزه بودند، تا آن‌هایی که در خیابان‌ها در محاصره حزب‌اللهی‌ها، کمیته‌چی‌ها و پاسداران فاشیست، نشریات سازمان را پخش می‌کردند و مواضع سازمان را تبلیغ می‌کردند. از هنرمندانی که ترانه سروده‌های انقلابی جاودانه تولید می‌کردند و ادبیات انقلابی را ترویج می‌کردند تا برپائی تئاترهای خیابانی توسط رفیق سعید سلطانپور. این دورانی بود که شور و اشتیاق به مبارزه به اوج خود رسیده بود. این‌همه در شرایطی انجام می‌گرفت که ارتجاعی‌ها تر از رژیم شاه کمر به قتل و نابودی فدائیان گرفته بود.



هامی غلامیان لنگرودی

را نابود کنند. جریانی که سرانجام نام "اکثریت" به خود گرفت و در کنار ارتجاع حاکم ایستاد. جمهوری اسلامی صدها تن از رفقای قهرمان و مبارز ما را به جوخه اعدام سپرد، جریان موسوم به "اکثریت" اما هزاران و ده‌ها هزار نیروی سازمان را نابود کرد. ضربه حیثیتی این مرتجعین به سازمان و جنبش کمونیستی ایران کم نبود. اگر جریان انقلابی و کمونیست "اقلیت" نبود، حتی حیثیتی برای فدائی باقی نمی‌ماند. چه فدکاری و قهرمانی بی‌نظیری اعضا، کادرها و هواداران فدائیان اقلیت در مبارزه از خود نشان دادند تا حساب این خیانتکاران را از تاریخچه پرافتخار سازمان جدا کنند. فدائیان "اقلیت"،

یک سازمان کمونیست جزئی جدائی‌ناپذیر و بخش پیشرو طبقه کارگر است. صدها کارگر به جنبش فدائی پیوستند و در صفوف سازمان نبرد کردند. هنر و ادبیات پیکارجو تحت تأثیر این مبارزه رونق گرفت. دانشگاه‌ها به تسخیر دانشجویان کمونیست درآمدند. زنانی که سال‌ها از مبارزات دورافتاده بودند، گروه‌گروه به جنبش کمونیستی پیوستند.



سرنگونی رژیم شاه اما پایان مبارزه نبود، ضعف جنبش کارگری و کمونیستی مانع از آن گردید که با سرنگونی رژیم شاه، حکومتی کارگری در ایران بر سرکار آید و توده‌های کارگر و زحمتکش از شر تمام ستمگری‌های نظم موجود نجات یابند. رژیم شاه سرنگون شد، اما نظم سرمایه‌داری و طبقه سرمایه‌دار حاکم برجای ماندند. رژیمی وحشی‌تر از رژیم شاه جای او را گرفت. پیکاری سهمگین‌تر آغاز شد. چراکه جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین وظائفش ادامه سرکوب و کشتار و حشبه‌نتر کمونیست‌ها و آزادی خواهان ایران بود. بهرغم وحشی‌گری‌های



جمهوری اسلامی از همان لحظه‌ای که به قدرت رسید، هزاران فدائی در سراسر ایران تلاشی خستگی‌ناپذیر را برای سازمان‌دهی توده‌های کارگر و زحمتکش آغاز کردند تا انقلابی را که نیمه‌کاره مانده بود به سرانجام قطعی‌اش برسانند. فدکاری، قهرمانی و باور به اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه سازمان در این دوران از مبارزه همان بود که رفقای ما در نبرد علیه رژیم شاه نمونه آن بودند. شب و روز برای فعالیت انقلابی آن‌ها معنائی نداشت. از رفقای که تحت شدیدترین فشار و سرکوب ارتجاع در کارخانه‌ها، معادن و دیگر مراکز تولیدی برای متشکل ساختن کارگران، گسترش شوراها و بسط ابتکار عمل کارگران تلاش می‌کردند، تا رفقای که در ترکمن‌صحرا جنبش شورایی را



توکل اسدیان

از همان نخستین ماه‌های به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، گروه‌گروه رفقای ما را دستگیر و به قتل رساندند. در ترکمن‌صحرا علاوه بر کشتار ده‌ها تن از هواداران سازمان،

۲۵ اسفند روز جانفشانان فدایی

یاد و نام جانفشانان فدایی همواره جاودان خواهد ماند

این رفقای قهرمان فدائی که دوره جمهوری اسلامی جان فشاندند، در یادنامه جانفشانان سازمان آمده است و کم نیستند رفقایی که در کشتارهای دهه شصت در سراسر ایران، بی‌نام‌نشان به قتل رسیدند. نام و یاد رفقای فدائی که در مبارزه برای اهداف و آرمان‌های بزرگ انسانی جان فشاندند، همواره در قلب بزرگ طبقه کارگر و تمام

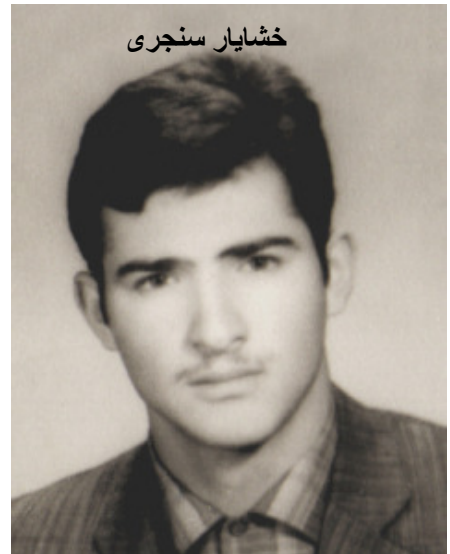
ستم‌دیدگان زنده و جاودان خواهد ماند در ۲۵ اسفند روز جانفشانان فدایی بار دیگر یاد تمام رفقایی را که به خاطر اهداف و آرمان‌های بزرگ سازمان درنبرد با دشمن طبقاتی جان خود را فدا کردند، گرامی می‌داریم و بر عهد و پیمان همیشگی خود به ادامه راه تا پیروزی سوسیالیسم تأکید می‌کنیم.

کارگر و روشنفکر، زن و مرد در تلاش برای جبران این ضربه حماسه آفریدند. آن‌ها در زندان‌ها، زیر شکنجه‌های قرون‌وسطایی، در پای چوبه دار و جوخه اعدام و در نبردهای رودرروی خیابانی قهرمانانه ایستادند و مقاومت کردند، تا از سنت مقاومت و ایستادگی کمونیستی فدائی برای تحقق اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی پاسداری کنند.



امیر پرویز پویان

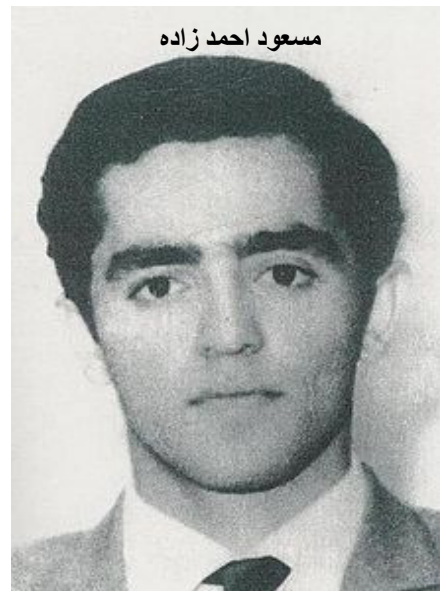
Courtesy Image



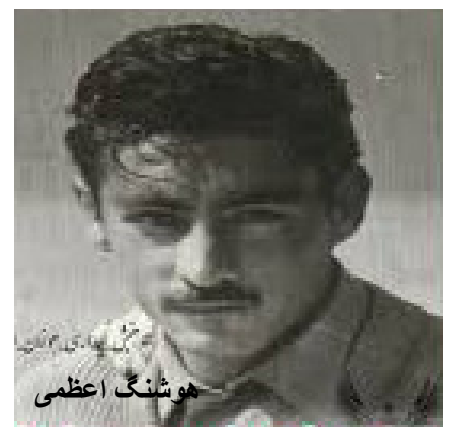
خشایار سنجری

سرخوش، توکل اسدیان، مجید ایوانی، ناصر الماسیان، علی جدیدی، احمد ارجمندی، داود و لقمان مداین، مسعود رحمتی، مهدی خانزاده، زهرا بهکیش، ویدا گلی آبکناری، نفیسه ناصری، منیژه طالبی، سوزان نیکزاد، مریم دژآگاه قهرمانانه مبارزه کردند و جان خود را در راه اهداف بزرگ سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه سازمان فدا کردند. اگر رژیم شاه حدود ۴۰۰ تن از رفقای قهرمان ما را کشتار کرد، رژیم جمهوری اسلامی این رقم را به دو برابر افزایش داد. تا همین امروز نام متجاوز از شش‌صد تن از

سال ۶۰ جمهوری اسلامی وحشیگری را به اوج رساند. هزاران تن از فدائیان اقلیت دستگیر و صدها تن را اعدام کرد. در این سال ۶ تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان ما رفقا سیامک اسدیان، محسن مدیر شانه‌چی، منصور اسکندری تربقانی، بدالله گل مزده، احمد غلامیان لنگرودی و محمدرضا بهکیش در مصاف با دشمن طبقاتی جان فشاندند. صدها کادر و هوادار



مسعود احمد زاده



هوشنگ اعظمی

برجسته سازمان در طول سال‌های کشتار دهه شصت، همچون رفقا جعفر پنجه شاهی، خیرالله حسنوند، غلامرضا مولائی بیرگانی، محمدعلی ایرندی، جهانبخش سرخوش، مرتضی کریمی، احمد منادی، جهانبخش

اعلامیه مشترک به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

امسال در شرایطی که به ۸ مارس روز جهانی زن نزدیک می‌شویم که تداوم بحران جهانی سرمایه‌داری و پیامدهای آن در چند دهه اخیر به طور بی‌سابقه‌ای بر ابعاد فقر، بیکاری، و نابرابری‌های اجتماعی افزوده است و همه جا زنان را در صف اول اخراج و بیکارسازی، کاهش دستمزد و محرومیت از خدمات اجتماعی قرار داده است. از سوی دیگر تشدید نظامی‌گری، خشونت، جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و پای‌گیری و رشد گروه‌های ارتجاعی مذهبی، پدروسالاری و کنترل جنسیتی را تشدید کرده است.

جمهوری اسلامی که از همان اولین روزهای به قدرت رسیدن پایه‌های موجودیتش را بر آپارتاید جنسیتی، تبعیض، تحقیر، بی‌حرمتی و بی‌حقوقی زنان قرار داد، اکنون پس از چهار دهه پیگیری این سیاست، ستم بر زنان را در همه عرصه‌های حیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نهادینه کرده است. سیاست‌های ارتجاعی این رژیم نه تنها ساختار نظام مردسالاری را تقویت کرده بلکه آن را به دیگر ساختارهای سرکوب پیوند زده است.

در سیستم سرمایه‌داری ایران زنان بخش وسیعی از طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند. وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی، تورم، و بیکاری وسیع، به اضافه قوانین ضد زن و آپارتاید جنسیتی ناشی از حاکمیت دینی، موجب گشته‌اند زنان به ناچار اغلب با دستمزدهای ناچیز و بدون قرارداد، بدون بیمه، بدون امنیت شغلی و در محیطی آکنده از تبعیض و نابرابری بکار مشغول شوند. در نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و در جامعه‌ای چون جامعه ما با مناسبات پدروسالارانه عقب‌مانده مذهبی و قوانین دوران جاهلیت شریعت اسلامی، موقعیت دشواری به زنان در امر مبارزه تحمیل شده است و زنان باید در چندین جبهه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبارزه خود را به پیش ببرند.

با این وجود زنان از همان آغاز با پایداری در برابر سیاست‌های ارتجاعی و ضد زن جمهوری اسلامی مقاومت و مبارزه کرده‌اند. زنان ایران، امروز با حضور در صف مقدم اعتصاب و مبارزات سراسری معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و دوشادوش کارگران یک پای اصلی مبارزه با جمهوری اسلامی هستند. آنان اکنون نیروی بالقوه سازش‌ناپذیر و رادیکال علیه حکومت دینی می‌باشند و به نیروی سیاسی، اجتماعی عظیمی تبدیل شده‌اند. این رشد، با نظام اسلامی در تضاد آشکار قرار دارد و رژیم اسلامی به هیچ وجه قادر به حل این تضاد نیست.

وظیفه‌ی مبرم، زنان سوسیالیست، انقلابی و برابری‌طلب در شرایط کنونی آن است که مبارزات زنان را به مبارزات سایر جنبش‌های اجتماعی، به ویژه طبقه کارگر، پیوند زنند. از همین امروز و در دل همین مبارزات جاری، مطالبات زنان را طرح کنند و بکوشند همپای ایفای نقشی مؤثر و پیشرو در مبارزات جنبش‌های اجتماعی، مطالبات ویژه خود را در مطالبات سیاسی و اقتصادی عمومی بگنجانند. چنان که کارگران بارها در بیانیه‌های خود، بر مطالبات زنان نیز انگشت گذاشته‌اند. آنان بایستی بکوشند توده زنان را برای تحقق این مطالبات بسیج کنند.

بر ما سوسیالیست‌ها و نیروهای انقلابی و چپ است که هم‌چون زنان سوسیالیست بنیان‌گذار این روز، در روز جهانی زن، بار دیگر، پرچم پیکار زنان علیه هر گونه نابرابری و ستم جنسیتی را برافرازیم. پیکاری علیه نابرابری و تبعیض جنسیتی که نمی‌تواند جدا از مبارزه طبقه کارگر برای رهایی جامعه و برقراری الگو و راه حل کارگری یعنی اداره شورایی باشد.

سرنگون باد رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۱۴ اسفند ۱۳۹۷ - ۵ مارس ۲۰۱۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

کمک های مالی

هلند

در گرامی داشت ۲۵ اسفند
روز جان‌فشانان فدایی

۵۰۰ یورو

سوئیس

علی‌اکبر صفایی فراهانی
سیامک اسدیان (اسکندر)
حمید اشرف
محمد کاسه‌چی
امیر نبوی

۳۰ فرانک
۴۰ فرانک
۳۰ فرانک
۵۰ فرانک
۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی
دکتر نریمینا
خروش (مارس)

۲۰۰ کرون
۲۰۰ کرون
۲۰۰ کرون

سوئد

کارگر و معلم و دانشجو اتحاد

۲۰۰ کرون

آلمان

آلترناتیو سوسیالیستی

۵۰ یورو





۱۹ اسفند ۱۳۵۷

نشریه کار چهل و یکمین سال انتشار
خود را آغاز می کند

فقر بیشتر پاسخ جمهوری اسلامی در بودجه ۹۸ به اعتراضات و خواست‌های توده‌ها

در این مقاله ما به دو مصوبه از مصوبات بودجه ۹۸، کوپنی شدن کالاهای اساسی و میزان افزایش حقوق می‌پردازیم، تا ببینیم جمهوری اسلامی با توجه به چشم‌انداز تیرموتار اقتصاد در سال آینده نگاه‌اش به توده‌هایی که بار تمام این معضلات بر دوش آن‌ها قرار گرفته، چگونه است. آیا برای بهتر شدن شرایط معیشتی توده‌ها چاره‌ای اندیشیده شده است؟!

بر اساس مصوبه مجلس، قرار است در سال آینده تامین کالاهای اساسی با استفاده از کوپن انجام شود. یوسفیان ملا عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در رابطه با تصویب این موضوع و چگونگی اجرایی شدن آن گفت: "در کمیسیون تلفیق بحث شد که ما همین کارت‌های هوشمند و اگر شده همین کارت‌های ملی افراد را به اندازه نیاز فرد برای کالاهای اساسی شارژ کنیم تا مردم بتوانند کالاهای اساسی را دریافت کنند." وی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران که گفت: "اگر اوایل انقلاب کوپن می‌دادیم به دلیل شرایط بحرانی زمان جنگ بود و آیا امروز بازگشت به سیستم کوپنی پیام نامناسبی به مردم نخواهد داشت؟"، گفت: "الان راه دیگری نبود که پیش‌بینی شود. چه راهی بود که جایگزین کنیم؟ چه مسیری را دوباره باید می‌رفتند؟ همین سبد کالا آیا مناسب بود؟ همه این موارد در کمیسیون تلفیق بحث شد و نتیجه نهایی این شد که کوپن را انتخاب کنیم. راه حلی جز این نیست."

در حقیقت نیز سوال خبرنگار و پاسخ نماینده مجلس اسلامی بیان‌گر چیزی جز شرایط بحرانی کنونی و ناتوانی جمهوری اسلامی حتی در تامین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نیست، مجموعه شرایطی که باعث شده است تا وضعیتی بسیار بدتر از حتماً دوران جنگ ایران و عراق به مردم تحمیل شود. اما شرایط امروز با شرایط جنگ تفاوت‌های اساسی دارد. اگر در دوران جنگ، بخش‌هایی از مردم به حاکمیت توهم داشتند و حتماً جمهوری اسلامی را مقصر و جنگ‌طلب نمی‌دانستند، امروز اما توده‌ها هیچ توهمی به حاکمیت و جنگ‌طلب و متجاوز بودن آن ندارند. توده‌ها نه به ماهیت ضد مردمی حاکمیت توهم دارند، نه به ماهیت سیاست‌هایی که منجر به تحمیل چنین شرایط اسفباری شده است، شرایط اسفباری که تمام بار آن به دلیل ماهیت حاکمیت بر دوش کارگران و سایر زحمتکشان قرار دارد. حکومتی که در طول دوران حاکمیت آن فاصله طبقاتی در ابعادی غیرقابل تصور افزایش یافته است. حکومتی که در طول دوران حاکمیت آن اکثریت قریب به اتفاق کارگران و زحمتکشان به زیر خط فقر پرتاب شده‌اند. کسانی که امروز دستمزد و یا حقوق‌شان حتماً به نیمی از خط فقر نمی‌رسد و میلیون‌ها نفر دستمزد و حقوقی برابر با یک ششم و یا یک هفتم خط فقر دارند.

کارگران و زحمتکشان، امروز و برخلاف دوران جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی و مناسبات اقتصادی سرمایه‌داری را که جمهوری اسلامی حافظ آن است، مقصر خالی شدن سفره‌های خود می‌دانند. در حالی‌که مقامات اصلی جمهوری اسلامی همچون خامنه‌ای و

روحانی مدام از پیشرفت‌های "شگفت‌آور" جمهوری اسلامی داد سخن می‌رانند اما واقعیت این است که بعد از ۴۰ سال این حکومت حتی قادر به تامین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نیست و کار به جایی رسیده است که عموم کارگران و زحمتکشان در فقر و نداری بسر می‌برند. بیکاری از ده میلیون نفر گذشته است و بخش بسیار بزرگی از جوانانی که در زمان حکومت اسلامی بدنیا آمده‌اند در صف میلیون‌ها بیکار قرار دارند. به‌گونه‌ای که حتی بر اساس آمارهای دولتی که از واقعیت‌ها بسیار دور است، بیش از ۲۵ درصد جوانان بیکار هستند، بویژه زنان که بیکاری در صفوف آن‌ها چندین برابر مردان است.

در یک کلام، در چشم کارگران و زحمتکشان بازگشت به سیستم کوپنی نتیجه‌ی شرایط وخامت‌باری است که جمهوری اسلامی به توده‌ها تحمیل کرده است، شرایطی که نه سال به سال که دیگر روز به روز وخیم‌تر شده و بار این شرایط وخیم نه بر روی سرمایه‌داران و کارگزاران حکومتی که تنها بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند. از همین‌رو کارگران و زحمتکشان چاره‌ای جز اتحاد و همبستگی و ایستادن و مبارزه علیه رژیم که روز به روز بر فشارها و محدودیت‌های‌اش علیه کارگران و زحمتکشان و بر فقر و نداری آن‌ها می‌افزاید، ندارند.

میزان افزایش حقوق و دستمزد در نظر گرفته شده برای سال آینده نیز چیزی جز دهن‌کجی به خواست توده‌ها نیست. در این رابطه هم که امروز به موضوع مرگ و زندگی کارگران و زحمتکشان تبدیل شده، سیاست‌های جنایتکارانه جمهوری اسلامی را شاهدیم. البته اگر چه تصمیم در مورد دستمزد کارگران برعهده شورای عالی کار است ولی عموماً آنچه که در شورای عالی کار تصویب می‌شود همان چیزی است که دولت مد نظر دارد و در همان حد و حدودی که پیش از آن در بودجه تصویب شده است.

در بودجه امسال نیز بر اساس بندی که در تبصره ۱۲ لایحه بودجه ۹۸ آمده میزان افزایش حقوق تمام پرسنل دولت و بازنشستگان کشوری و لشکری ۴۰۰ هزار تومان بعلاوه حداکثر تا ۱۰ درصد تعیین شده است.

یکی از نکات مهم در مورد میزان افزایش حقوق این است که سهم حقوق و دستمزد حقوق‌بگیران و بازنشستگان از کل بودجه در مصوبه مجلس هیچ افزایشی نداشته و بنابراین همان ۳۲ هزار میلیارد تومان که پیش از این کابینه روحانی تعیین کرده بود، در مجموع به حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت اضافه می‌شود. تنها تفاوت این است که هر کسی که حقوق کمتری می‌گیرد، افزایش حقوق بیشتری خواهد داشت.

به همین دلیل، نوبخت معاون روحانی اعلام کرد با توجه به سقعی که برای پرداخت حقوق و دستمزدی‌ها در نظر گرفته شده، جدا از مبلغ ۴۰۰ هزار تومانی تنها ۵ درصد به طور یکسان به حقوق ۵ میلیون کارمند و بازنشسته افزوده خواهد شد.

بر این اساس کسانی که پیش از این برای مثال یک میلیون و پانصد هزار تومان حقوق و دستمزد دریافت می‌کردند حدود ۳۰ درصد به حقوق‌شان اضافه شده و دریافتی آنها به ۱ میلیون و نهصد و هفتاد و ۵ هزار تومان می‌رسد. کسانی که پیش از این ۲ میلیون تومان دریافتی داشتند به ۵۰۰ هزار تومان و به عبارتی دیگر ۲۵ درصد به حقوق‌شان اضافه می‌شود. اما کسانی که ۳ میلیون تومان حقوق می‌گرفتند، ۵۵۰ هزار تومان و به عبارتی دیگر ۱۷/۵ درصد به حقوق‌شان اضافه می‌شود.

با نگاهی به این وضعیت و این که به گفته‌ی مقامات دولتی حدود ۷۵ درصد از کارمندان دولت ۳ میلیون و کمتر حقوق می‌گیرند، و با توجه به این‌که خط فقر سال آینده هم اکنون حداقل ۷ میلیون تومان تعیین شده و احتمالاً با توجه به تورم پیش‌بینی شده به ۱۰ میلیون تومان و حتماً بیشتر خواهد رسید، می‌بینیم که نه طرح دولت و نه طرح مجلس هیچ‌کدام دردی از دردهای بیکران حقوق‌بگیران و بازنشستگان زحمتکش جامعه را دوا خواهد کرد. نه دولت و نه مجلس به این فکر نکردند که برای بالا بردن حقوق‌ها از هزینه‌های نظامی کم کنند یا از هزینه‌های دستگاه‌های مذهبی، برعکس مجلس به بودجه نظامی با استفاده از صندوق توسعه ملی افزود. حکومت هیچ راه‌حلی دیگری هم ارائه نمی‌کند، فقط در مجلس شعار می‌دهند که "فقر است، بیکاری است، مردم زیر خط فقر هستند و با این حقوق و دستمزد نمی‌توانند زندگی کنند"، اما در عمل همان کار کابینه روحانی را می‌کنند و بدین وسیله تمام ارگان‌های حکومتی دست به دست هم داده تا کارگران و زحمتکشان در سال آینده فقیرتر شوند. این حکایتی‌ست که همواره تکرار شده است. کارنامه‌ی چهار سال حاکمیت جمهوری اسلامی چیز دیگری جز این نبوده است.

بودجه ۹۸ و دو مصوبه‌ای که به بررسی آن پرداختیم نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی هیچ پاسخی به خواست‌های کارگران و زحمتکشان که بارها در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به اعتراض زده‌اند نخواهد داد. این دو مصوبه در واقع تمام راه‌حل آن‌ها بود، راه‌حلی که به معنای کامل کلمه "هیچ" هستند. در واقع اگر قرار بود جمهوری اسلامی پاسخی به خواست‌ها و اعتراضات توده‌ها می‌داد حداقل در بودجه باید آثار آن پیدا می‌شد که البته وجود ندارد. بودجه‌ای که مانند سال‌های گذشته در خدمت طبقه سرمایه‌دار علیه کارگران و زحمتکشان و برای سرکوب آن‌ها تدوین شده‌است.

حکومتی را که تنها ارمان‌اش برای ده‌ها میلیون کارگر و زحمتکش ساکن ایران فقر و بیکاری بوده است، سرکوب آزادی‌ها و اعدام و زندان بوده است، باید به گورستان تاریخ سپرد و تنها آلترناتیو حکومت اسلامی چیزی جز حکومت شورایی نمی‌تواند باشد. این تنها حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است که می‌تواند به این شرایط اسفبار پایان دهد. توده‌ها در طول این سال‌ها به تجربه دریافته‌اند که ریشه ظلم و ستم کنونی نه فقط حکومت اسلامی که مناسبات سرمایه‌داری حاکم نیز هست و به همین دلیل به تمام آلترناتیوهای خود ساخته دیگر نیز دست رد خواهند زد.

اعتصاب سه روزه معلمان، برجستگی‌ها و ضعف‌های آن

نیروهای امنیتی آن دارند. سیگنالی که سبب می‌شود تا مبارزات پیگیرانه معلمان و "شورای هماهنگی" به رغم همه تلاش‌ها و گام‌های مثبتی که تاکنون برای تحقق مطالبات‌شان برداشته‌اند، توسط حاکمیت جدی گرفته نشود. روشن است، تا زمانی که "شورای هماهنگی" با صدور اینگونه اطلاعیه‌ها هنوز چشم‌امیدی به جناح بندی‌های حاکمیت دارد، تا زمانی که این شورا نتواند درصد بالاتری از جمعیت یک میلیون معلمان را به اعتراض و اعتصاب سراسری بکشانند، تا زمانی که رژیم ستمگر و ارتجاعی حاکم بر ایران یک اراده قوی و رادیکال مبارزاتی را در پشت فراخوان‌های "شورای هماهنگی" تشکل‌های صنفی فرهنگی ایران" نبیند، نه گوشی برای شنیدن اعتراضات معلمان خواهد داشت و نه چشمی برای دیدن انبوه مشکلات طاقت فرسای آنان. آنهم حاکمیتی که طی چهار دهه نشان داده است که کمترین توجهی به شرایط اسف‌بار زندگی توده‌های زحمتکش مردم ایران، اعم از معلمان و کارگران، زنان و دانشجویان، پرستاران و بازنشستگان و... نداشته و ندارد. حاکمیتی که کرور کرور سرمایه‌های کشور و حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان مردم ایران را در سوریه، عراق، یمن و لبنان هزینه می‌کند، اما حاضر نیست کمترین توجهی در کاهش آلام و رنج‌های بی‌پایان توده‌های مردم خود داشته باشد. حاکمیتی که مردم زلزله زده سر پل ذهاب بعد از دو سال همچنان در بی‌سرنپاهی بسر می‌برند، اما رهبر مستبد، مرتجع و فاسد جمهوری اسلامی از سرمایه همین توده‌های فقر زده می‌دزدد تا برای ساختن ۳۰ هزار واحد مسکونی در سوریه هزینه کند. لذا، با توجه به مجموعه شرایطی که به آنها اشاره شد، معلمان و تشکل "شورای هماهنگی" فقط و فقط با فائق آمدن بر ضعف‌های پیش‌رو، اتخاذ مواضعی رادیکال که برخاسته از نیرو و اراده مبارزاتی عموم معلمان کشور باشد، می‌توانند مبارزات خود را هرچه بیشتر ارتقاء دهند. طبیعی است که "شورای هماهنگی" و جنبش اعتراضی معلمان با ارتقاء شیوه‌های مبارزاتی، حضور حداکثری معلمان در اعتصابات سراسری و در نهایت با اعمال فشار بیشتر بر طبقه حاکم می‌توانند رژیم را به عقب نشینی وادار و شرایط را برای تحقق مطالبات تل انبار شده معلمان کشور فراهم سازند.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

در تاریخ سیزدهم اسفندماه، سازمان ما با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان "زنده باد اتحاد و همبستگی معلمان" از مبارزات و مطالبات معلمان حمایت کرد.

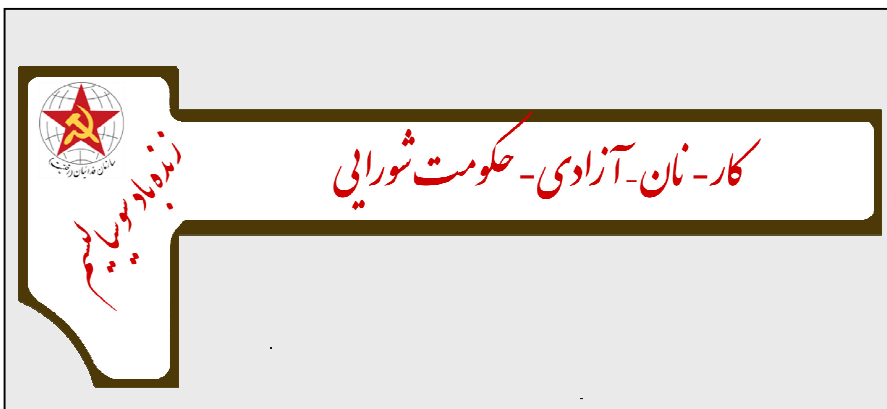
در این اطلاعیه آمده است: در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگی ایران برای انجام یک اعتصاب سه روزه در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند، معلمان ایران از روز یکشنبه ۱۲ اسفند در تعداد زیادی از شهرهای ایران دست به اعتصاب زده‌اند. اعتصاب معلمان امروز دوشنبه ۱۳ اسفند در دومین روز خود پر شکوه‌تر از روز اول، شهرهای بیشتری را فرا گرفت. شهرهای تهران، سقز، مریوان، کرمانشاه، سنندج، ایلام، مشهد، بجنورد، یاسوج، تبریز، بابل، خرم‌آباد، آبادان، شیراز، یزد، رشت و... از جمله شهرهایی هستند که در دومین روز به اعتصاب پیوسته‌اند. آن‌گونه که این اعتصاب در دو روز گذشته پیش‌رفته است، چه بسا در سومین روز خود پرشکوهرتر دو روز گذشته شهرهای بیشتری را فرا خواهد گرفت.

اعتصاب سه روزه معلمان سومین دور اعتصاب آنان از آغاز سال تحصیلی ۹۸-۹۷ تاکنون است.

فرهنگیان ایران همانند دو اعتصاب گذشته خواهان آزادی معلمان زندانی، رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی تشکل‌های صنفی فرهنگی، اختصاص بودجه عادلانه به آموزش و پرورش، همسان‌سازی حقوق معلمان بازنشسته با شاغلان، داشتن بیمه کارآمد و فراگیر و توقف سیاست پولی کردن مدارس هستند.

معلمان در شرایطی به سومین دور اعتصاب اقدام کرده‌اند که همچنان گرفتار وضعیت وخامت‌بار معیشتی‌اند. به رغم مبارزات و تلاش‌های پیگیرانه‌ای که معلمان زحمتکش ایران طی سال‌های گذشته برای تحقق مطالبات برحق‌شان انجام داده‌اند، واکنش مسئولان حکومتی اما تاکنون به‌جز سرکوب و زندان و اخراج معلمان آگاه و مبارز، چیز دیگری نبوده است. اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح‌الله مردانی، عبدالرضا قنبری، محمد ثانی و بختیار عارفی از جمله معلمان هستند که هم‌اکنون با احکام سنگین دستگاه فاسد قضایی رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران در زندان بسر می‌برند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگی اعلام کرده است، "در صورت عدم تحقق خواسته‌های به‌حق فرهنگیان، آنان نیز "برنامه‌های اعتراضی بعدی خود را اعلام" و پیگیرانه به مبارزات‌شان ادامه خواهند داد. سازمان فدائیان (اقلیت) از اعتصاب سراسری معلمان و تمام مطالبات آنان حمایت می‌کند و دانشجویان، دانش‌آموزان و بستگان آن‌ها و سایر گروه‌های اجتماعی را به حمایت و پشتیبانی از معلمان و مطالبات آنان فرا می‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) هرگونه ارباب‌تعدی و سرکوب معلمان را شدیداً محکوم می‌کند و هم‌صدا با تمامی معلمان خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه معلمان است که اکنون در زندان‌های جمهوری اسلامی هستند.



ضرورت و فوریت مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی

شکنجه‌های جسمی و روانی علیه این دو ادامه دارد.

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و خانواده‌های آن‌ها را نباید تنها گذاشت. باید به صورت دسته‌جمعی و گروهی به دیدار خانواده‌ها رفت و به هر شکل ممکن به آن‌ها یاری رساند و از آن‌ها حمایت کرد. این وظیفه همه کارگران هفت‌تپه و همه کارگران است که خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط، هم طبقه‌ای و رفیق مبارز خود اسماعیل بخشی شوند.

مردم زحمتکش شوش و دزفول و هفت‌تپه، باید از اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و خانواده آن‌ها به گرمی حمایت و پشتیبانی کنند. آزادی اسماعیل بخشی نیازمند اعتراضات گسترده‌تری است. خواست آزادی اسماعیل بخشی باید خیلی صریح و روشن بر لیست خواست‌های هر اعتصاب و اعتراض در هر کارخانه و موسسه تولیدی و خدماتی افزوده شود. دانشجویان مبارز و انقلابی می‌توانند کارزارهای جدیدی را در حمایت از اسماعیل بخشی و برای آزادی وی سازمان دهند. جنبش اعتراضی معلمان، زنان، بازنشستگان، پرسناران و هر اعتراض در طیف فرودستان و ستمکشان و آزادی‌خواهان، باید خواست آزادی و بازگشت به کار اسماعیل بخشی را که در زیر چرخنده‌های ماشین شکنجه و سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی گرفتار آمده، با صدای بلند اعلام و از خانواده وی حمایت کنند. مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، کماکان یک وظیفه همگانی و ضرورتی عاجل است. همه ما دوستداران و طرفداران طبقه کارگر موظف به انجام این وظیفه‌ایم.

سازمان فدائیان (اقلیت) یکبار دیگر بازداشت و شکنجه و پرونده‌سازی علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را محکوم می‌کند. ما همچنین بار دیگر تاکید می‌کنیم اعترافات اجباری در زندان، صرف‌نظر از این‌که خود گویای رایج بودن شکنجه در زندان‌های رژیم است و اسماعیل بخشی نیز بخشا از آن پرده برداشت و گوشه‌هایی از آن را افشا کرد، بلکه در نزد افکار عمومی جهان نیز اقدامی قبیح و مردود و ضد انسانی است که مرتکبین به آن باید مورد تعقیب و مجازات قرار بگیرند.

طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی فوق ارتجاعی و مستبد پاسدار منافع این طبقه، در سرکوب و انتقام‌گیری از طبقه کارگر، تشکل‌های مستقل کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، بسیار سخت‌گیر و خشن و ددمنش و بی‌رحم است. این بی‌رحمی و ددمنشی اما شرایطی را که جنبش طبقه کارگر با اعتصابات و شعارهای کارگران هفت‌تپه و اسماعیل بخشی به آن وارد شد، تغییر نخواهد داد و قادر نیست آن را به عقب بازگرداند.

جمعی درآید.

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه در ارتباط با بازداشت اسماعیل بخشی عضو فعال هیات مدیره این سندیکا و برای آزادی وی، تاکنون نقش مهم و بسیار فعالی داشته، بویژه از طریق بیانیه‌ها، موضع‌گیری‌های مستمر و اطلاعیه‌های مداوم خبری خود، نقش موثری در پیگیری خواست آزادی اسماعیل بخشی که خواست عموم کارگران هفت‌تپه است، ایفا نموده است. این تلاش‌ها باید پی‌گیرانه استمرار یافته و تشدید شود و اقدامات عملی و مشخص و مؤثرتر دیگری تکمیل شود.

اسماعیل بخشی اما صرفاً متعلق به این سندیکا و شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیست. همه کارگران می‌دانند که اعتصابات کارگران هفت‌تپه و نقش بی‌بدیل اسماعیل بخشی در آن و در طرح خواست‌ها و شعارها و هدایت مبارزات کارگران این شرکت، جنبش کارگری را وارد مرحله جدیدی ساخت. هفت‌تپه و اسماعیل بخشی با طرح شعارها و خواست‌هایی که از درون خود کارگران جوشید و سربرآورد و در تاریخ جنبش کارگری ایران کم سابقه است، نه فقط این جنبش را به لحاظ سیاسی به نحو محسوسی ارتقا داد و آن را ده‌ها سال به جلو برد، بلکه رژیم ارتجاعی حاکم و تمام نظم سرمایه‌داری موجود را به چالش کشید. خروش رعدآسایی که از هفت‌تپه برخاست در تمام پهنه کشور طنین‌انداز شد. شعار نان کار آزادی و اداره شورایی که در اعتصابات کارگران هفت‌تپه بر پرچم کارگران این شرکت نقش بست، مورد استقبال عموم کارگران و زحمتکشان قرار گرفت و اسماعیل بخشی کارگر مبارز و آگاه هفت‌تپه محبوب کارگران و زحمتکشان، به یکی از رهبران اصلی جنبش اعتراضی برای کار و نان و آزادی و استقرار یک نظام شورایی تبدیل شد. خواست اسماعیل بخشی خواست عموم کارگران و زحمتکشان بوده است و خواست آزادی وی نیز خواست عموم کارگران و زحمتکشان است.

دستگاه امنیتی رژیم برای جلوگیری از اعتراضات و تجمعات خانواده‌ها در برابر دادگستری شهر شوش و حضور گسترده کارگران هفت‌تپه در این اعتراضات و تجمعات، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را به زندان‌های اهواز منتقل کرده است. برطبق اطلاعیه مورخ ۱۴ اسفند سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، از روز سه‌شنبه ۱۳ اسفند، اسماعیل بخشی در زندان شبیان (اهواز) و سپیده قلیان در زندان سپیدار (اهواز) زندانی هستند. فشار و تهدید و

اداره اطلاعات شوش روز دوم اسفند خانواده اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را احضار و تهدید کرد برای تمام اعضای خانواده آن‌ها، پرونده تشکیل خواهد داد و همه را به دادگاه و زندان خواهد کشاند. در یک مورد که خانواده اسماعیل بخشی در اعتراض به بازداشت و احتمال تمدید قرار بازداشت وی به دادرسی شوش مراجعه کرده بودند، دادستان شوش نه فقط از پاسخگویی به خانواده بخشی خودداری کرد بلکه دستور بازداشت مادر رنج کشیده اسماعیل بخشی را نیز صادر کرد. در تجمعات خانواده اسماعیل بخشی و جمعی از کارگران در اعتراض به بازداشت اسماعیل بخشی در مقابل دادگستری شوش محمد نورزاده داماد خانواده بخشی و دو تن از کارگران هفت‌تپه به نام حسن کهن‌کی و قاسم بلدی در تاریخ یازده اسفند به دستور دادستان شوش، توسط پلیس امنیت بازداشت و مورد بازجویی و تهدید و ارباب قرار گرفتند. ابراهیم عباس منجری یکی دیگر از کارگران هفت تپه به جرم همراهی با خانواده بخشی و تجمع برای آزادی وی به دادرسی شوش احضار شد که روز ۱۹ اسفند همراه با وکیل خود فرزانه زبلائی در شعبه بازپرسی حاضر شد.

جمال حیدری وکیل سپیده قلیان اعلام کرد این زندانی نیز زیر فشارهای شدید دستگاه امنیتی قرار دارد. وی گفت از حضور پدر و مادر سپیده قلیان در دادرسی شوش جلوگیری نموده و در مورد وضعیت وی مکرر به خانواده‌اش دروغ گفته‌اند. وی همچنین به این موضوع اشاره کرد که ماموران امنیتی از ملاقات سپیده قلیان با خانواده‌اش و همچنین با وکیل‌اش ممانعت به عمل آورده‌اند. این فشارها و تهدیدات همچنان ادامه دارد.

از زمان بازداشت مجدد اسماعیل بخشی تاکنون، خانواده اسماعیل بخشی و جمع‌هایی از کارگران هفت‌تپه، تجمعات متعددی را در مقابل دادگستری شوش برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی برگزار نموده‌اند. کارگران بازنشسته هفت‌تپه نیز در تجمع اعتراضی روز چهارم اسفند، ضمن حمایت از اسماعیل بخشی هشدار دادند که جمع خانواده اسماعیل بخشی خواهد پیوست و تا آزادی وی در سطح شهر به اعتراض ادامه خواهند داد. همه کارگران هفت‌تپه این را می‌دانند که اسماعیل بخشی نماینده آن‌هاست و به خاطر تلاش و مبارزه در راه منافع کارگران به زندان افتاده و شکنجه شده است. کارگران هفت‌تپه اعم از شاغل و بازنشسته، رسمی یا قراردادی بایستی به یاد آورند که اسماعیل بخشی برای بهبود زندگی کل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، پیشقدم شد و هم‌دوش آن‌ها و پیشاپیش آن‌ها پرچم مبارزه علیه ظلم و بیداد کارفرما و دولت حامی آن را برافراشت. اسماعیل بخشی را نباید تنها گذاشت و نه فقط نباید تنها گذاشت، بلکه برای آزادی و بازگشت به کار وی بایستی به صورت دسته‌جمعی دست به اعتراض زد. نارضایتی از بازداشت اسماعیل بخشی و خواست آزادی و بازگشت به کار وی، باید از حد هشدارها و زمزمه‌های اعتراض در میان جمع‌هایی از کارگران هفت‌تپه فراتر رود و به صورت یک حرکت اعتراضی سازمان یافته‌ی




کارگر زندانی، آزاد باید گردد!

ضرورت و فوریت مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 813 March 2019

طبق گزارش سندیکای کارگران هفت‌تپه مورخ پنجم اسفند، اسماعیل بخشی در حین ملاقات با خانواده‌اش بیهوش می‌شود که این موضوع موجب نگرانی شدید اعضای خانواده وی شده است. همان روز فرزانه زیلابی وکیل اسماعیل بخشی اعلام کرد "موکلم به شدت زیر فشار است به‌گونه‌ای که امروز در حضور خانواده‌اش بیهوش شده است".

دستگاه امنیتی رژیم که با زور و ارباب و سرکوب همه جانبه سعی می‌کند از انتشار هرگونه خبری در مورد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان جلوگیری کند تا در سکوت خبری نیات پلید خود را عملی سازد، به خانواده‌ها نیز فشار می‌آورد و حتا فرزانه زیلابی وکیل اسماعیل بخشی را نیز در همین رابطه به داسرای شوش احضار نموده است. وی مورد تهدید قرار گرفته که پرونده بخشی را رها یا در مورد آن سکوت کند. اسماعیل بخشی نیز برای این‌که وکیل‌اش را برکنار کند، زیر فشار است. افزون بر این‌ها،

در صفحه ۹

سپیده قلیان، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی و حامی کارگران هفت‌تپه نیز یک روز بعد از پخش طرح از پیش سوخته دست پخت وزارت اطلاعات در ۲۹ دی از صدا و سیما جمهوری اسلامی، مجدداً بازداشت شد و زیر فشار و تهدید دستگاه امنیتی قرار گرفته است. مطابق خبرها و اطلاعیه‌های سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، دستگاه امنیتی و سرکوب ارتجاع حاکم، در تلاش است با ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و اعمال زور و تهدید و ارباب و شکنجه، این کارگر مبارز را "مستاصل" و به اعترافات اجباری و نوشتن "تکذیبیه" در مورد شکنجه و مفاد نامه سرگشاده خود خطاب به وزیر اطلاعات رژیم وادار سازد. اسماعیل بخشی در تمام طول دوران بازداشت خود بعد از دستگیری مجدد، از هرگونه درمان پزشکی و دسترسی به پزشک محروم شده است. شدت فشارها و شکنجه‌های جسمی و روانی بخصوص در چند روز اول بازداشت مجدد به حدی شدید بوده که جان وی را در معرض خطر جدی قرار داده به نحوی که



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰ پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳

سه‌شنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

چهارشنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳

پنجشنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

جمعه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳

بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

شنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۲

یکشنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی